

راهکارهای اجرایی سازی سند تحول: بررسی نقش اولیا و مشارکت آنان در مدارس

زهرا عسکری^۱

کارشناسی، علوم تربیتی

آموزش و پرورش شهرستان رامه، آموزگار

Askarizahra20@gmail.com

چکیده:

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید سند راهبردی بوده که اجرایی سازی آن با همکاری نهادهای زیرمجموعه‌های آموزش و پرورش، مدارس، دانش‌آموزان و اولیاء دانش‌آموزان محقق خواهد شد. در این میان هر گروه، نقش و جایگاه خاص خود را دارد. خانواده و اولیاء دانش‌آموزان در این میان نقش اساسی را ایفا می‌کنند چرا که می‌توانند ضمن همکاری با مدرسه، دانش‌آموزان را در جریان یادگیری فعال در مدرسه همراه کرده و موجبات تحقق سند تحول را رقم بزنند. از این رو پژوهش حاضر با هدف « راهکارهای اجرایی سازی سند تحول: بررسی نقش اولیا و مشارکت آنان در مدارس » انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی باشد. نحوه تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تشکیل جلسات بر اساس نیازها، مسئول رابطه با خانواده، تشکیل جلسات توسط معلمان، آموزش مدیران و معلمان در زمینه‌ی ارتباط با خانواده، انجام تحقیقات در مورد انجمن‌های اولیاء و مربیان و فضای مدرسه از جمله راهکارهایی است که می‌تواند موجب ارتقا و تحول در نظام آموزشی گردد.

واژگان کلیدی: اولیا، مشارکت، مدارس، سند تحول

۱- مقدمه

آموزش و پرورش زیربنای توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل موثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده‌اند. به تعبیر دیگر آموزش و پرورش را می‌توان یکی از نهادهای تعیین‌کننده بنیادهای فرهنگی و اخلاقی یک جامعه دانست. این نهاد از یک سو با کودکان، نوجوانان و جوانان خلاق، مبتکر و مستعد و از طرف دیگر با طیف گسترده‌ای از مردم به‌عنوان خانواده‌ها یا اولیای دانش‌آموزان در ارتباط است. بنابراین توجه بیشتر به تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عامل پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و خانواده خواهد شد. از آنجایی که امر تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی فعال و کارآمد تنها وظیفه مدرسه نمی‌باشد، پس مدرسه یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که نیازمند مشارکت اولیای دانش‌آموزان و دیگر سازمان‌هاست. خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کند و درباره اهمیت و ضرورت نهاد خانواده در جوامع، متفکران و اندیشمندان، مباحث و موضوعات گوناگونی را مطرح کرده و هر کدام از زاویه خاص به آن نگریده‌اند و در میان همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، خانواده از جایگاه و مرتبه خاصی برخوردار است و به‌عنوان عامل اصلی القای ارزش‌ها و هنجارها شناخته شده که در رشد و تکامل شخصیت فرزندان تأثیرات عمده‌ای دارند (مدرسه هوشمند، ۱۳۹۴: ۴۸).

بدون شک همه جوامع بشری برای دستیابی به اهداف اجتماعی خویش نیازمند مشارکت همه اعضای آن هستند. مشارکت را فرآیندی توانمندساز خوانده‌اند که موجب تحرک بخشی منابع محلی، به‌کارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری مردم محلی در تعریف مشکلات، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (افضل‌خانی و پاکروان، ۱۳۹۲). مشارکت یک فراگرد سهیم کردن و سهیم شدن در کارهاست، کاری که می‌تواند به صورت‌های مختلف تجلی یابد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مشارکت والدین در امور مدرسه موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می‌شود (البرزی، ۱۳۸۲). به نظر ویلیام و چاوکین (۱۹۸۹) چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت، مانند تصمیم‌گیری، کار داوطلبانه، کار با کودک در خانه و... دخالت داشته باشند، پیشرفت فرزندشان بیشتر است. یکی از ویژگی‌های مهم جوامع انسانی برتر، وجود پدیده مشارکت در بین افراد، نهادها و سازمان‌های آن است (گوهری و همکاران، ۱۳۹۳). بیشتر والدین بدون توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی‌شان به آموزش فرزندانشان خود علاقه‌مند هستند و در این آرزو مشترک‌اند که بچه‌هایشان در فعالیت‌های آموزشی و کسب مدارج علمی عملکرد خوبی داشته باشند (شیربیگی و همکاران، ۱۳۹۴). در این میان مشارکت والدین در آموزش و پرورش اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. شرکت دادن اولیا در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش و پرورش، خصوصاً جنبه‌هایی که به کار یا سرنوشت فرزندان آنان مربوط است، سبب ایجاد انگیزه آنان به اداره امور مدارس شده و تعهد آنان را نسبت به آن افزایش می‌دهد (یزدخواستی و پاکروان، ۱۳۸۶).

مدارس یکی از نهادهای مهم تربیتی و آموزشی جامعه هستند که نیازمند مشارکت فعال همه به خصوص خانواده‌ها می‌باشند. مشارکت جدی خانواده و مدرسه همواره مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده‌ها بوده است، اما گاهی مواقع عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه باعث می‌گردد ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه به‌درستی صورت نپذیرد. پژوهش‌ها نشان داده است هر قدر والدین در مسائل فرزندانشان بیشتر مشارکت کنند، پیشرفت تحصیلی کودکان افزایش می‌یابد. بنابراین تقویت مشارکت خانواده و مدرسه از پیش‌نیازهای یک برنامه موثر است که باید مورد توجه قرار گیرد. به‌نظر دسیمون (۱۹۹۲) اگر خانواده‌ها متوجه شوند چگونه ارتباطات خانواده بر یادگیری فرزندان اثرگذار است، آن وقت به برنامه‌هایی برای رشد بهتر فرزندان خویش می‌اندیشند و راهکارهایی را برمی‌گزینند تا از طریق ارتباط خانواده با مدرسه، آموزگار درک بهتری از شاگرد پیدا کند و در نتیجه احساس مسئولیت بیشتری در قبال او داشته باشد. از طرفی دیگر دانش‌آموز هم‌انگیزه بیشتری برای مدرسه رفتن پیدا می‌کند که این امر خود می‌تواند منجر به افزایش یادگیری شود (میر کی‌زاده و ستاری، ۱۳۹۶).

یکی از مشخصه‌های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین است. به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم درآمده و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، هماهنگی انجام می‌دهند. به‌طور کلی سهیم‌کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه‌های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر با سازمان‌ها، افزایش اعتماد افراد به سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های فردی و سازمانی و افزایش اثربخشی خواهد شد (زنجانی زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش:

آربری (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، چنین نتیجه‌گیری کرده است که: «رفت و آمد والدین با کادر آموزشی می‌تواند تاثیر چشمگیری بر انگیزش و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. همکاری والدین با اولیای مدرسه می‌تواند به ایجاد رابطه مطلوب خانه و مدرسه کمک کند. بدین ترتیب می‌توان به افزایش شایستگی‌ها و کاهش مشکلات کمک کرد. قابل ذکر است اولیا در ارتباط با مدرسه نباید نگاهی انتقادی و شکایت آمیز به عملکرد عوامل مدرسه داشته باشند، بلکه لازم است نگرش اقدام مشارکتی را برای رفع کاستی‌ها در خود پرورش دهند.»

کریم زاده و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان واکاوی مشارکت والدین درباره آگاهی از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان (دختر) در پایه اول ابتدایی، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «از آنجایی که رابطه خانواده و مدرسه تعاملی و دوطرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی‌کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی‌تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منجمم می‌تواند ثمربخش باشد. شکل‌گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانواده و مدرسه است. این دو نهاد اجتماعی است که بزرگ‌ترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان بر عهده دارند.»

نورنژادقادی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان ادراک اولیاء و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعه پدیدارشناسانه) چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که «مصاحبه شوندگان طیفی از موارد از قبیل پیگیری امور آموزشی و تربیتی فرزند خود، شرکت در جلسات دانش‌افزایی، پذیرفت مسئولیت برنامه‌ای در مدرسه، قضاوت در مورد عملکرد معلمان و مشارکت در تصمیمات مدرسه از طریق مجاری قانونی مثل انجمن را مطرح کرده‌اند که نشان‌دهنده یک طیف حداقلی و حداکثری است. مدیران میزان مشارکت والدین در این زمینه‌ها را منوط به دانش و مسئولیت‌پذیری والدین دانسته‌اند.» تقی‌زاده (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان نقش اولیاء در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی نیز چنین نتیجه‌گیری کرده است که «در چند دهه اخیر، همکاری اولیای دانش‌آموزان با آموزش و پرورش به علت تغییراتی که در ارزش‌ها و روش‌های زندگی در جوامع پدید آمده است بیش از پیش محرز شده است. نقش مدارس در آموزش و پرورش امروزی علاوه بر انتقال دانش، رشد شخصیتی دانش‌آموزان نیز می‌باشد و معلم امروزی باید برای دانش‌آموز علاوه بر معلم بودن، یک مشاور و هدایتگر نیز باشد. هدایتگری که بتواند با درک شرایط متفاوت خانواده‌ها پاسخ‌گوی انتظارات دانش‌آموزان باشد. لکن بدون شناخت خانواده و اولیای دانش‌آموزان و بدون مشارکت و همکاری آنان معلمان قادر نیستند که به این مهم دست یابند.»

بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد تا اهمیت تعامل والدین با مدارس و راهکارهای تعامل والدین با مدارس را مورد بررسی و شناسایی قرار دهد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد بدین صورت که منابع و اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری گردیده و داده‌ها مرتبط با موضوع استخراج گردیدند. روش تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی بوده، بدین گونه که داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش به تناسب اهداف پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳- یافته‌های پژوهش

با توجه به اثرات مهم و مشارکت و همکاری اولیاء در مدارس می‌توان به راهکارهایی جهت نزدیک‌تر شدن خانواده و مدرسه ارائه کرد، چرا که مشارکت و تعامل از جمله پدیده‌هایی است که از دیرباز وجود داشته و «همواره با زندگی انسان‌ها پیوند داشته است. نیاز زندگی جمعی و گروهی وجود همکاری، مساعدت و مشارکت می‌باشد که متناسب با شرایط اجتماعی در زمان و مکان خاص خود به صورت‌های مختلف شکل گرفته است.» (نوابخش و اسمی جوشقانی، ۱۳۹۱) چنان که فوی (۱۹۹۷) معتقد است که مشارکت فرآیندی توانمندساز است که موجب تحرک بخشی منابع محلی، به‌کارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری افراد محلی در تعریف مشکلات، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (افضل‌خانی و عبدی پاکروان، ۱۳۹۲). نظام تعلیم و تربیت نیز در هر جامعه‌ای ذاتی مشارکت جویانه دارد، چرا که ماهیت وجودی این نظام برآمده از نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده است و در پیوند فعال با آن‌ها عمل می‌کند (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۱).

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضائات جامعه اسلامی تأکید شده است که از جمله راهکارهای آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- راهکار ۱-۴- آموزش و ارتقای مدیریت خانواده در استفاده مناسب از ابزار رسانه در محیط خانواده همسو با اهداف نظام تعلیم و تربیت عمومی
- راهکار ۲-۴- تدوین اصول راهنما و پودمان‌های آموزشی برای تبیین نقش مدرسه، رسانه‌ها و خانواده در تامین پیش‌نیازهای ورود کودک به مدرسه و ایجاد سازوکارهای لازم برای هماهنگی و همسویی آن‌ها با هم و با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
- راهکار ۳-۴- تدوین برنامه جامع مشارکت خانواده و نهادهای تربیتی و آموزشی برای تقویت فرهنگ تربیتی خانواده‌ها و تحقق شایستگی‌های پایه دانش‌آموزان
- راهکار ۴-۴- افزایش میزان مشارکت خانواده‌ها در فعالیتهای آموزشی و تربیتی مدرسه، برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش، ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا برای همسوسازی اهداف و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه.

بر این اساس می‌توان به راهکارهای ذیل جهت تعامل والدین با مدرسه اشاره کرد:

۱. تشکیل جلسات توسط معلمان: بر اساس بررسی‌های انجام شده اولیاء از جلسات محدودتر و کم جمعیت‌تر که توسط معلم کلاس ترتیب می‌یابد استقبال بیشتری می‌نمایند. پیشنهاد می‌شود که دعوت‌کننده‌ی جلسه لزوماً مدیر مدرسه نباشد، بلکه معلمان به مناسبت‌های مختلف والدین دانش‌آموزان کلاس خود را به مدرسه دعوت کنند.
۲. مسئول رابطه با افراد خانواده: از تجربیات مفید در زمینه‌ی بهبود روابط با اولیا که می‌توان در ایران به خصوص در مدارس پر جمعیت و پر مساله اجرا نمود. طرح میانجی یا واسطه‌ی خانه و مدرسه است. میانجی‌گی، مجموعه فعالیت‌هایی است که به وسیله‌ی افرادی با نام میانجی یا مسئول رابطه با خانواده انجام می‌گیرد. وظیفه میانجی که لازم است قبل از تصدی این پست آموزش جامعی دریافت کرده باشد، این است که از یک طرف با تنظیم فعالیت‌های خاص اولیاء را به درک بهتر قوانین و انتظارات مدرسه و نظارت بیشتر تحصیل و رفتار فرزندان تشویق نماید و از طرف دیگر به معلمان در دک بهتر مسائل خانوادگی دانش‌آموزان و شناخت عمیق‌تر خصوصیات فرهنگی خانواده‌ها کمک می‌کند.
۳. تشکیل جلسات بر اساس نیازها: برای جلب همکاری اولیاء لازم است جلساتی در طی سال برای آنان ترتیب داده شود که صرفاً به منظور رفع کمبودهای مالی مدرسه طراحی نشده است، بلکه با توجه به نیازهای خاص اولیاء که می‌تواند در هر مدرسه شرکت فعال داشته باشند طراحی شده است. چنانچه جو حاکم در این جلسات جو قبول و پذیرش یکایک شرکت‌کنندگان باشد اولیاء احساس خواهند کرد وجودشان در جلسات لازم است و نقشی موثر در آموزش و پرورش فرزندان خود دارند.
۴. آموزش مدیران و معلمان در زمینه‌ی ارتباط با خانواده: از آنجا که موفقیت جلسات اولیاء و مربیان در گرو مهارت و توانایی‌های ارتباطی مجریات و اداکنندگان این جلسات است پیشنهاد می‌گردد که مدیران، معلمان و همه کسانی که مسئولیت اداره‌ی این قبیل جلسات را بر عهده دارند، در مورد ارتباط با اولیاء و تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی آنان و چگونگی ارائه کمک‌های ضروری به آنان آموزش جامع دریافت دارند.
۵. انجام تحقیقات در مورد انجمن‌های اولیاء و مربیان: به‌منظور بررسی اثربخشی انجمن‌های مدارس و تلاش برای بهبود آن، پیشنهاد می‌گردد تحقیقات وسیعی از طرف انجمن اولیاء و مربیان و سایر نهادهای مرتبط در این زمینه انجام پذیرد.
۶. فضای مدرسه: موسسات آموزش عالی در زمینه نحوه‌ی اداره جلسات، محتوای برنامه‌ها، ارزشیابی آن و آزمایش راه‌ها و روش‌های جدید اداره جلسات تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند. بر اساس پژوهش‌ها پیشنهاد می‌گردد تا فضای مدرسه به‌گونه‌ای باشد که اولیاء بتوانند به طور آزادانه در ساعت‌های مختلف بدون احساس مزاحمت به مدرسه رفت و آمد داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌گردد به‌هنگام طراحی فضاهای آموزشی و در ترتیب دادن و تقسیم فضا برای فعالیت‌های مختلف آموزشی و پرورشی مدرسه، فضاها و مکان‌های خاصی نیز برای پذیرش اولیاء در نظر گرفته شود تا اولیاء به هنگام مراجعه به مدرسه در محیطی که خصوصی بودن مراجعه‌ی آنان را تضمین نماید، بتوانند

با معلم؛ مشاور یا مدیر مدرسه صحبت کنند یا در ساعتی روز بتوانند با حضور در این مکان‌ها به انجام فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در جهت تکمیل و تقویت آموزش و پرورش مدرسه بپردازند.

۴- نتیجه‌گیری:

مطالعه سند تحول بنیادین نشان می‌دهد که اولیا و خانواده‌های دانش‌آموزان در کنار نظام تعلیم و تربیت قرار داشته و حضور فعال آنان نقش مهم و اثرگذاری در تعالی نظام آموزش و پرورش ایفا می‌نماید از این رو ارتباط پیوسته والدین با مدارس در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی می‌تواند نقش موثری در ارتقا نقش مدرسه در بالندگی دانش‌آموزان ایفا نماید. مشارکت فعالانه والدین در جریان امور مدرسه باعث می‌شود آن‌ها ضمن آگاهی از عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و فرزندان خود و همچنین نحوه کار معلمان و کادر مدرسه، نسبت به حل مشکلات آن‌ها با کمک دیگر اولیاء اقدام نمایند. از جمله این راهکارها که می‌تواند موجب افزایش تعامل والدین با مدارس شود و همچنین در بهبود عملکرد نظام آموزش و پرورش نقش موثری ایفا نمایند و مشارکت اولیاء را در اداره امور مدرسه افزایش دهد می‌توان به انجام تحقیقات در مورد انجمن‌های اولیاء و مربیان، فضای مدرسه، تشکیل جلسات بر اساس نیازها، تشکیل جلسات توسط معلمان و آموزش مدیران و معلمان در زمینه‌ی ارتباط با خانواده اشاره کرد.

منابع:

- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۱)، مشارکت مردمی در آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با همکاری شورای عالی آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نوابخش، مهرداد؛ اسمی جوشقانی، زهرا (۱۳۹۱)، عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیت های دانش آموزی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴، صص ۱۲۲ - ۱۰۵.
- افضل خانی، مریم؛ پاکروان، مژگان (۱۳۹۲)، بررسی شیوه های بهینه در مشارکت اثربخش اولیاء و مردم در مدارس، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی)، جلد ۲، شماره ۹، صص ۱۴۶ - ۱۳۷.
- آربری، محسن (۱۳۹۹)، نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، نشریه رشد آموزش مشاور مدرسه، دوره شانزدهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۹.
- البرزی، شهلا (۱۳۸۲)، روش های نوین ارتباط والدین با مدرسه، انتشارات پژوهشکده ی خانواده.
- تقی زاده، علیرضا (۱۳۹۵)، نقش اولیاء در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی، کنگره بین المللی علوم اسلامی، علوم انسانی، آذرماه ۱۳۹۵، تهران.
- زنجانی زاده، هما؛ دانایی، مجید؛ سلیمی نژاد، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی میزان مشارکت خانواده ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه علمی - ترویجی جامعه شناسی آموزش و پرورش، جلد ۱، شماره ۱، صص ۱۰۱ - ۷۱.
- شیریگی، ناص؛ عزیزی، نعمت الله؛ امیری، شیلا (۱۳۹۴)، واکاوی مفهوم مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان از دیدگاه والدین و معلمان، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، جلد ۷۲، شماره ۲، صص ۵۴ - ۲۱.
- کریم زاده، عنایت؛ نوروزی، مهدیه؛ خیری نیا، حسینعلی؛ ظفری نژاد، عادل (۱۳۹۹)، واکاوی مشارکت والدین درباره آگاهی از وضعیت تحصیلی دانش آموزان (دختر) در پایه اول ابتدایی، نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، تابستان ۱۳۹۹، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۵۴ - ۴۵.
- مدرسه هوشمند (۱۳۹۴)، روابط تعاملی دو طرفه بین خانه و مدرسه، مجله از لینک، شماره ۲، صص ۵۲ - ۴۸.
- میرکی زاده، مهدی؛ ستاری، صدرالدین (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مشارکت والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم شهر گرگان، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم.
- نوروز نژادقادی، محمد؛ سراجی، فرهاد؛ یوسف زاده چوسری، محمدرضا (۱۳۹۸)، ادراک اولیاء و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعه ای پدیدارشناسانه)، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۵۶ - ۳۱۹.
- یزدخواستی، بهجت؛ عباس زاده، محمد (۱۳۸۶)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت والدین دانش آموزان در امور مدرسه ای دانش آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان شرقی، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۳، صص ۶۲ - ۴۵.